

در باره همایش سکولار دمکرات ها در تورنتوی کانادا، در هفتم و هشتم می 2011

همایش شبکه جهانی سکولار دمکرات ها در تورنتو ویژگی های درخشانی داشت که سزاواری بررسی گسترده ای را دارد. بزرگترین ویژگی شبکه کردار سازمان و تشکیلاتی آن است در برابر دیگر تشکیلات سیاسی که برای خود نقش تعیین کننده ای را قائل نیستند و افراد بیشماری که نظریه پرداز و گمان ورزان سیاسی هستند بدور از هرگونه عمل یا کردار تعیین کننده سیاسی؛ کسانی که در انتظار وقایع سیاسی درون مرزی ایران هستند تا دنباله روی خود را آغاز نمایند. گوهر شبکه سه رکن اساسی دارد که شامل سکولاریسم، دمکراسی و بیانیه حقوق بشر است. هموندان یا هم پیمانان بر پایه این سه رکن شبکه به آن پیوسته اند چون این سه رکن مفاهیم آزادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ... و کشوری قانوناً بدون تبعیض و کوشنده برای این هدف و متجدد که با زمان خود پیش میروند و ترمزی برای پیشرفت نیست را در بردارد. ارکان نظری شبکه نیروی جاذبه سیاسی را ایجاد مینماید که هر کوشنده سیاسی و دردمند از سرنوشت سیاسی امروز ایران را بسوی خود میکشاند.

شرکت کنندگان در همایش از آمریکا و اروپا آمده بودند و برگزار کنندگان هموندان سخت کوش شبکه تورنتو بودند که به بهترین روش ممکن تدارکان این همایش را فراهم کردند. آنچه در چهار گروه سخنرانی و گفتمان سیاسی معین شده بود دو هدف را دنبال مینمود مطرح کردن مشکلات سیاسی ایران و یافتن پاسخ هائی برای آنها. عنوان ها برای چهار گروه سخن گوینان باین ترتیب بود: گروه اول - جایگاه نهادهای دینی در رابطه با حکومت های سکولار مبتنی بر حقوق بشر. گروه دوم: سکولاریسم و آسیب شناسی جنبش سبز فرصت ها، موانع و امید ها. گروه سوم: حکومت سکولار مبتنی بر حقوق بشر و مسئله تبعیض های فرهنگی، سیاسی. گروه چهارم: اپوزیسیون سکولار - دمکرات در تبعید و مسئولیت ها، چالش ها، راه کارها. برای هر کدام از این عنوان ها از سخنرانان خواسته شده بود به ده پرسش پاسخ بدهند. فضیلت و معرفت سیاسی در پرسش های این عنوان ها و پاسخ ها آشکار بود. این همایش در پی دادن شعارهای ایدئولوژیک (کمونیستی) و مذهبی و یا ملی گرایی شوونیستی نبود که در حالیکه دشمن آزادی و شأن مردم اسلام استبدادی سیاسی فقهتی است کوس استعمار اوایل قرن بیستم و شیپور عدم استقلال خیالی را بزند.

شبکه جهانی سکولار دمکرات های ایران در این همایش آشکار نمود که هدف آن گرد آوری کوشندگان سیاسی گرد مفاهیم ژرف سیاسی و انسانی سکولار دمکراسی و بیانیه حقوق بشر است. هدف شبکه سکولار دمکرات ها این نیست که خود را بعنوان آلترناتیو و یا جایگزین حکومت استبدادی جمهوری اسلامی نماید؛ بلکه هدف آن ساختن بستری است از سنگ فرش شده با جدائی حکومت از مذهب و هر نوع ایدئولوژی که در گوهرش دیکتاتور است مانند رژیم های کمونیستی و یا پادشاهان رژیم پهلوی که بخش دمکراسی حکومت مشروطیت را تعطیل کرده بود. آنچه سکولار دمکرات ها به آن افتخار مینمایند آشکار بودن مواضع و ساختار سیاسی آنها است. رهبری آن در انتخاباتی منصفانه برگزیده و بخوبی شناخته شده اند و دور از هرگونه پنهان کاری سیاسی هستند. ساختار تشکیلاتی سکولار دمکرات ها برای هموندان آن و مردم آشکار است. موضع سیاسی و فرهنگی شبکه برخاسته از سکولار دمکراسی بر پایه بیانیه حقوق بشر است. کوشندگان نظریه پرداز و گمان ورز سیاسی که قلم فرسایان درخشانی در شکافتن کردار جنون واره سیاسی گردانندگان رژیم فقهتی هستند آیا افسوس نمیخورند که نه در این همایش شرکت کردند و نه فرصت این را یافتند تا به عنوان ها و پرسشهای ایکه در آن پیشنهاد شد بود پاسخی بدهند. آیا این کوشندگان سیاسی از خود پرسیده اند که جایگاه آنها در برابر سکولاریسم و دمکراسی برپایه بیانیه حقوق بشر چگونه است و اگر بر فرض مسلم مثبت است چرا دست یاری سکولار دمکرات ها را نادیده میگیرند و به آن توجه نمینمایند؟ آیا مشکل در آواز است یا آوازه خوان؟ اگر مشکل در آواز "نظریه" ما است ما را در جریان بگذارید و اگر در آوازه خوان است به این توضیح توجه بفرمائید.

درست است که دکتر نوری علا در تشکیل شبکه نقش یکتائی داشته است و دارد و این قلم او را موتور شبکه نامیده است لیکن باید توجه کرد که رهبری شبکه در اختیار شورای هماهنگی است که در انتخاباتی منصفانه برگزیده شده اند. همینطور دکتر نوری علا شناخته شده ترین شخصیت شبکه است که میتواند در های بسته زیادی را برای شبکه باز نماید در همان حال ایشان یک برنامه ریز درخشان برای سکولار دمکرات ها هستند. با وجود تمام این ویژگی های کاری ایشان، دکتر نوری علا در شبکه همواره به تأیید شورای هماهنگی و در مواردی به تمام هموندان شبکه نیاز دارد. در شورای هماهنگی دکتر نوری علا سرپرست امود اداری شبکه و ویراستار سایت نیو سکولار دمکراسی است. در هر صورت موقعیت ایشان در شبکه ناشی از پیشگامی و تلاش خستگی ناپذیر اوست و هموندان شبکه از این جهت آسوده خاطرند. بهرحال غیر از دکتر نوری علا کوشندگان سیاسی دیگری هم هستند که داده های فراوانی را به شبکه اهدا مینمایند مانند هموندان شبکه تورنتو که با فداکاری زیادی موفقیت همایش را امکان پذیر کردند و هموندان

دیگر شبکه که در گروه های سخنران بودند و سایر هموندان که در این همایش شرکت کردند. بیشتر پیام دهندگان تصویری و صدائی هموند شبکه نبودند لیکن با دادن پیام پشتیبانی خود را از همایش نشان دادند.

شبکه سکولار دمکرات ها با انتقاداتی روبرو شده اند مانند انتقادات جناب محمد امینی که علاوه بر انتقاد زشت نویسی را هم بما نشان دادند. چون این انتقادها بیشتر در جهت تشویق سکولار دمکرات ها به بیکارگی سیاسی است امکان جدی گرفتن آنها برای شبکه وجود ندارد و همایش ما باید به اینگونه انتقاد کننده ها نشان داده باشد که بهمن سکولار دمکراسی به حرکت در آمده و در حال انبوه شدن است. این قلم بارها در نوشته های خود تلاش کرده است نشان دهد علت دوام عمر حکومت جمهوری اسلام هم پیمانان انقلاب 57 آن هستند و به همین علت تنها نیروی سیاسی به تازگی انسجام گرفته سکولار دمکرات را یا بشدت به زیر انتقاد میبرند و یا آنرا نادیده میگیرند. البته ما شاهد این هستیم که با گسترش هموندان کردارگرای سیاسی شبکه سکولار دموکرات ها و همایش اخیر منتقدان آن که بعضی بیشتر لیچار گویان سیاسی هستند تا منتقد افزایش یافته اند و این موازی با افزایش هموندان شبکه است. گزارش گسترده جناب تقی مختار که به همراه همسرشان که فیلم همایش را تهیه مینمود و در جلسه شرکت داشتند، در نشریه ایرانیان و در سایت ایران امروز پست شد و گزارش جناب نیک آهنگ کوثر در سایت خود نویس و مقاله انتقادی جناب داریوش فیروز از بانو دکتر فاطمه حقیقت جو در همین سایت تنها وسیله شناسائی همایش را برای مردم فراهم کردند البته بغیر از سایت سکولاریسم نو.

اینطور که بنظر میرسد تلویزیون های ماهواره ای سیاسی و سایت های خبری سیاسی رسالتی برای خود قائل نیستند مگر بهم زدن لحن سیاسی جمهوری اسلامی و منتشر کردن بوی تعفن بیشتر آن. گمان ورزان و تحلیل گران بی شمار مغروق در خبرهای جمهوری اسلامی افزون بر اینکه مدت هاست که چیز جدیدی به مردم یاد نمیدهند بلکه خود را نیز از یاد گرفتن آن چیزهایی که ارزش یادگرفتن دارد محروم کرده اند. این سایت های کلون شده از یکدیگر و با نویسندگان گمان ورز و تحلیل گر کلون شده از یکدیگر آزادی بیان را به سرنوشت غم انگیزی دچار کرده اند. شاید باین دلیل باشد که کنکاش سیاسی همایش سکولار دمکرات ها لیاقت این رسانه های آزاد ایرانی در خارج راندارد. لیکن دو سایت اینترنتی ایران ما و میهن بار این خبر رسانی همایش را بردوش کشیدند.

در این همایش و چهار گروه سخنران انبوهی از مشکلات در عنوان ها و پرسش ها جای داشت که بسختی میشد با عمق لازم هر کدام از آنها را بررسی نمود. خلاصه کلام موضوع ها زیاد و مفهوم ها گسترده بود و زمان اندک. همایش بدنبال مدینه فاضله ای بود که هرگز نمیتوان وجود آنرا تصور کرد لیکن میتوانست به حداقلی از یک جامعه انسانی معقول برسد و با سرشت سکولار دموکراسی بر پایه حقوق بشر خود را همواره دوباره سازی کند و از انحراف جلوگیری نماید. شرکت بانو دکتر حقیقت جو در این همایش در حالیکه بیشتر اصلاح طلب های مذهبی وجود سکولار دمکرات ها را حتی اذعان نمیکند شگفت آور بود. ایشان بطور کلی درحالیکه با سکولاریسم موافق بودند نمیتوانستند از نگرانی های خود از سکولاریسم سخن نگویند. ایشان برداشتن چادر از سر بانوان را در دوره رضاشاه با حجاب اجباری جمهوری اسلامی مقایسه کردند که بهوجه معقول نیست. رضاشاه در 1315 دستور برداشتن حجاب اجباری را داد که اگر تا تبعید اجباری او در 1320 اجرا شده بود بمدت 5 سال طول کشید و مسلماً در تمام این دوران اجرا نشده بود. لیکن جمهوری اسلامی 32 سال است که حجاب اجباری را تعقیب مینماید و باید فراموش نکنیم که حجاب از تسخیر عرب تا 1315 در ایران اجباری بود. پس مقایسه ایشان در ان مورد بدون پایه و اساس است که شامل مقایسه ایشان با فرانسه هم میشود. همانطور که ظاهرشان نشان میداد و نقل قولشان از آیت الهی تعلق دینی ایشان را آشکار مینمود. در هر صورت شجاعت و باز بودن فکری ایشان قابل تحسین است. دکتر حقیقت جو با سؤال های زیادی روبرو شدند حتی از سوی گرداننده که از میهمان نوازی کمی دور بود و منصفانه نبود. اینطور که بنظر میرسد آمدن اصلاح طلبان مذهبی بخارج بمقدار زیادی به مذهبی ماندنشان کمک مینماید تا اگر در ایران میماندند. نکته دیگر در باره اصلاح طلب های بخارج آمده اینست که بعد از مدتی در خارج ماندن دیگر تولید هیجان سیاسی نمیکند و در میان انبوه حرافان سیاسی محو میشوند. رویهم رفته سخنرانان با یکدیگر موافق بودند و اگر هم اینچنین نبود مدنیت شان به آنها اجازه نمیداد وارد مجادله شوند.

سخنرانان در باره تبعیض موضوع را یک سره به اقلیت های قومی مانند کردها، آذربایجانی ها، بلوچ ها و عرب ها کشیدند. در اینکه در دوران رژیم پهلوی تبعیض جغرافیائی که بیشتر شکل اقتصادی میگرفت وجود داشت تردیدی نیست. همچنین آشکار است که هر چه یک مکان جغرافیائی بیشتر توسعه یافته باشد بورکرات های بیشتری برای دولت مرکزی تولید مینماید. تبعیض در دوران پهلوی بیشتر اقتصادی بود که باعث میشد یک مکان جغرافیائی کمتر توسعه یابد و در اینصورت تبعیض قومی وجود نداشت و در دولت و ارتش راه برای تمام ایرانیان بدون توجه به زادگاهشان باز بود. و از آن گذشته رژیم پهلوی با تبعیض بر ضد زنان که بیشتر ریشه مذهبی داشت بطور جدی مبارزه میکرد که کینه عمیق اسلامی ها را نسبت بخود ایجاد کرد و اتحاد آخوندها و دربار پیش از مشروطیت را متلاشی کرد. درست است که رژیم پهلوی بخش دمکراسی مشروطیت را تعطیل کرده بود لیکن به تجدید و نوسازی

ایران هر چند نارسا وفادار بود. نکته ای را که سخنرانان به آن توجه نمیکردند تفاوت تبعیض در رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی بود و گرداننده که این قلم بود هرگز نتوانست گفتگوه را باین سو سوق دهد. ریشه تبعیض در رژیم جمهوری اسلامی دینی است که با شریعت مدون شده است. آنچه در کردستان و بلوچستان میگذرد فشار حکومت است تا سنی ها را و ادار به دیگر شدن به شیعه بنمایند در آنصورت است که تمام در های پیشرفت بروی آنها باز خواهد شد همان روشی را که پیشتازان اسلام در برابر غیر مسلمان ها اجرا میوند. بخش دیگر انتقاد تبعیض زبان مکان های جغرافیائی ایران بود که در نهایت به حمله به زبان پارسی شباهت داشت. واقعیت این است که دو زبانه بودن در کشورهای زیادی واقعیتی طبیعی است و حساسیت رژیم پهلوی به نوشتاری شدن زبان های ترکی، کردی، بلوچی ربطی به پذیرش زبان پارسی بعنوان زبان رسمی ندارد. در آمریکا تمام اسپانیولی زبان ها مجبورند زبان انگلیسی را در کنار زبان اسپانیائی بیاموزند، در هندوستان زبان انگلیسی زبان دوم و رسمی تمام هندی ها است و ما ایرانی ها این مزیت را داریم که زبان پارسی که حتی بیرون مرزهای رسمی ایران امروز زبان رسمی کشورهای دیگر است زبان رسمیان باشد.

در هر صورت عنوان های دیگر تبعیض مانند تبعیض جنسی که شامل بانوان یا نیمی از جمعیت ایران میشود و همچنین تبعیض دینی و مذهبی که در حال متلاشی کردن وابستگی های ملی است و با شریعت اسلامی مدون شده است و انواع تبعیض سیاسی و اندیشه آن گفتاری در نگرفت. در پیش گفتار اشاره این قلم به انواع تبعیض سیاسی که شامل ایدولوژی کمونیستی نیز میشود بدین قرار بود "کمونیست ها مردم یک کشور را به کارگر و غیر کارگر تقسیم مینمایند در حالیکه خودشان هیچکدام از این ها نیستند و اشراف سیاسی هستند که خود را ناجی طبقه کارگر میدانند، طبقه ای که میباید شامل تمام مردم بشود. آنچه کمونیست ها را رنج میدهد خلأیت صنعتی فرد و موفقیت اقتصادی آنها است." که مورد اعتراض گروهی از شرکت کنندگان قرار گرفت. گویا دوستان توجه ای به تعریف سکولاریسم نو از جانب دکتر نوری علا نکرده اند که رژیم های ایدولوژیک مانند رژیم های کمونیستی را در کنار رژیم های مذهبی قرار داده است. همچنین دکتر فرزین در گروه چهارم در تعریف خود از تبعیض سیاسی دچار همین مشکل شد و ناچار شد توضیحات بیشتری بدهد. سخنران و شرکت کنندگان گرد در این همایش انتظاراتی را از این همایش پیش کشیدند که مانند سم کشنده برای شبکه بود. دوستان باید توجه داشته باشند که این همایش در باره ایران است و مبارزه با رژیم اسلامی فقهائی که در اجرای تبعیض سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جنسی و اجتماعی در سراسر ایران تبعیضی قائل نیست. اتکای دوستان باید به محتوای سیاسی شبکه جهانی سکولار دموکرات ها باشد و بدنبال عدالت سیاسی نباشند که دیگر مکان های ایران نیز از آن محروم اند و سزاوار داشتن آن امتیازات برابر هستند.

اولین همایش سکولار دموکرات ها از جهت درون سازمانی برای اولین بار خیلی از هموندان را که از اروپا و آمریکا آمده بودند با هم آشنا کرد. هوایی دوستانه، شاد و پر از امید به آینده در همایش موج میزد. دوستی های تازه ای شکل گرفت و دوستی های پیشین قوت گرفت. این همایش تجربه موفقیت آمیزی بود که احتمالاً زمینه موفقیت بیشتری در همایش بعدی را فراهم مینماید. از جهت برونی این همایش به دوست و دشمن نشان داد که با کادرهای سیاسی جدی روبرو هستند که بنیادی استوار برای شبکه ریخته اند و اراده کرده اند تا چشم کار مینماید در افق سیاسی ایران حضور داشته باشند. در دو روز همایش کیفیت، مدنیت و معرفت سیاسی شبکه بصورت فشرده کوبندگی سیاسی خود را نشان داد. هموندان شبکه نشان دادند که مبارزان واقعی میدان سیاست سرگیجه گرفته مخالفان جمهوری اسلامی هستند. هموندان شبکه آشکار کردند که با معرفت سیاسی خود تاریخ ساز هستند و قصد آنرا دارند که تاریخ ایران را بسازند و راهشان از آنهایی که بدنبال تاریخی هستند که جمهوری اسلامی میسازد جدا است. این همایش شبکه برای ایرانیان میهن پرست، آزادیخواه، مترقی و متجدد، دموکرات و سکولار فرصتی تاریخی فراهم کرده است تا به آن بیبوندند و تاریخی پر افتخار برای ایران بسازند. پیام سیاسی شبکه جهانی سکولار دموکرات ها برای هر آزادی خواهی غیر قابل مقاومت است و راه رستگاری ایران است.

کامییز باسطوت

www.iranpolitics.org

info@iranpolitics.org